

عنوان مقاله:

گفتمان دنیاگریزی در شعر کلاسیک عربی و فارسی (با تکیه بر اشعار ابواسحاق البیری اندلسی و ناصر خسرو)

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)، دوره 4، شماره 8 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسندگان:

محمد مهدی روشن چسلی - استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، ایران

فاروق نعمتی - دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، ایران

جواد کارخانه - استاد یار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ملایر، ایران.

خلاصه مقاله:

گفتمان دنیاگریزی از بن مایه های مضمونی شاعران زهد در دو ادب فارسی و عربی است؛ زیرا از نظر این دسته از شاعران، دنیا و دل بستگی به آن، موجب مشغول شدن انسان به لذائذ و آرزوهای نفسانی است که او را از یاد خدا و زهد پیشگی و قناعت دور خواهد کرد. ابواسحاق البیری، شاعر زهدسرای اندلسی و ناصر خسرو، سراینده و حکیم بزرگ ایرانی، هر دو از شاعران قرن پنجم هجری هستند که از نظر اندیشه و پیام نهفته در شعرشان، شباهت‌های نزدیکی به هم دارند. یکی از درون‌مایه‌های مشترک اشعار دو سراینده، موضوع دنیا و دنیاگریزی است. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر محتوا، در گذر مکتب آمریکایی در ادب تطبیقی، می‌کوشد تا بارقه‌هایی همسان از موضوع دنیاگریزی در اشعار دو سراینده را تبیین و استخراج کند. یافته‌های این تحقیق، بیانگر آن است که البیری و ناصر خسرو، در حوزه مفاهیم مربوط به دنیا، در بسیاری موارد دارای نگاه مشابهی هستند و خاستگاه فکری یکسانی دارند. وصف دنیا از پربسامدترین مضامین در سروده‌های دو شاعر است. دنیا در نگاه آنان، دامگاه و عروس فریبکاری است که جایگاه قرار نیست و گذرگاهی برای سرای اخروی است. دنیا مادری ستمکار است که همواره در چرخش است و خردمند را نشاید که دل به این سرای فانی و عجزه غدار ببندد. به طور کلی می‌توان گفت تصاویری که این دو شاعر از سیمای دنیا ارائه داده اند، همگی منفی و ناخوشایند است و بیانگر این است که آن‌ها هرگز به جهان روی خوش نشان نداده اند و همواره از ناپایداری، بی‌وفایی و کینه‌ورزی فلک فریاد برآورده اند.

کلمات کلیدی:

ادبیات تطبیقی، ابواسحاق البیری، ناصر خسرو، دنیاگریزی، شعر زهد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1377511>

